

مفالخر میراث فرهنگی ایران ۵ فرّ فیروز
جشن نامه دکتر فیروز باقرزاده
به کوشش احمد محیط طباطبایی و شاهین آریامنش

مفاخر میراث فرهنگی ایران (۵)

فرز فیروز

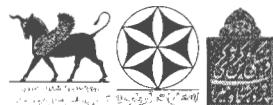
جشن نامه دکتر فیروز باقرزاده

به کوشش

احمد محیط طباطبایی و شاهین آریامنش



عنوان و نام بدیگار:	فر فیروز: جشن نامه دکتر فیروز باقرزاده / به کوشش احمد محیط طباطبایی و شاهین آریامنش
مشخصات نشر:	تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و کردشگری، آریامنا، گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری:	۱۳۹۵ من: مصوب.
فروسوست:	مفاخر میراث فرهنگی ایران. ۵.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۹۷۷-۵۲۰-۰
وطفعیت فهرست‌نویسی:	قیبا
موضوع:	جشن نامه دکتر فیروز باقرزاده
موضوع:	باقرزاده، فیروز ۱۳۹۵، یادآمدها
موضوع:	باستان‌شناسان .. ایران - سرکشتن‌نامه
موضوع:	Archaeologists - Iran - Biography
موضوع:	ایران .. آثار تاریخی - مقامات و خطابات
موضوع:	Iran - Antiquities
موضوع:	Iran - Antiquities -- Addresses, essays, lectures
شناخته افزوده:	محیط طباطبایی، سید محمد
شناخته افزوده:	آریامنش، شاهین
شناخته افزوده:	علیپور، فاطمه
شناخته افزوده:	پژوهشگاه میراث فرهنگی و کردشگری
ردیبدنی کنکره:	Tourism & Research Institute of Cultural Heritage
ردیبدنی دویهي:	/۲۴۱۳۹۷CC11۵
ردیبدنی دویهي:	۹۳۵/۱۵۹۲
شماره کتابشناسی علی:	۵۲۷۷۹۳۴



مرکز معرفی فرهنگی، انتشارات آریامنا و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن

مفاخر میراث فرهنگی ایران (۵)، فر فیروز، جشن نامه دکتر فیروز باقرزاده

به کوشش: احمد محیط طباطبایی و شاهین آریامنش

ناظر: فاطمه عظیم‌پور

طرح و اجرا: انتشارات آریامنا و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن

عکس روی جلد: علی موسوی، برگرفته از مجله باستان‌پژوهی

چاپ و صحافی: مهرگان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۷۷-۵۲۰-۰

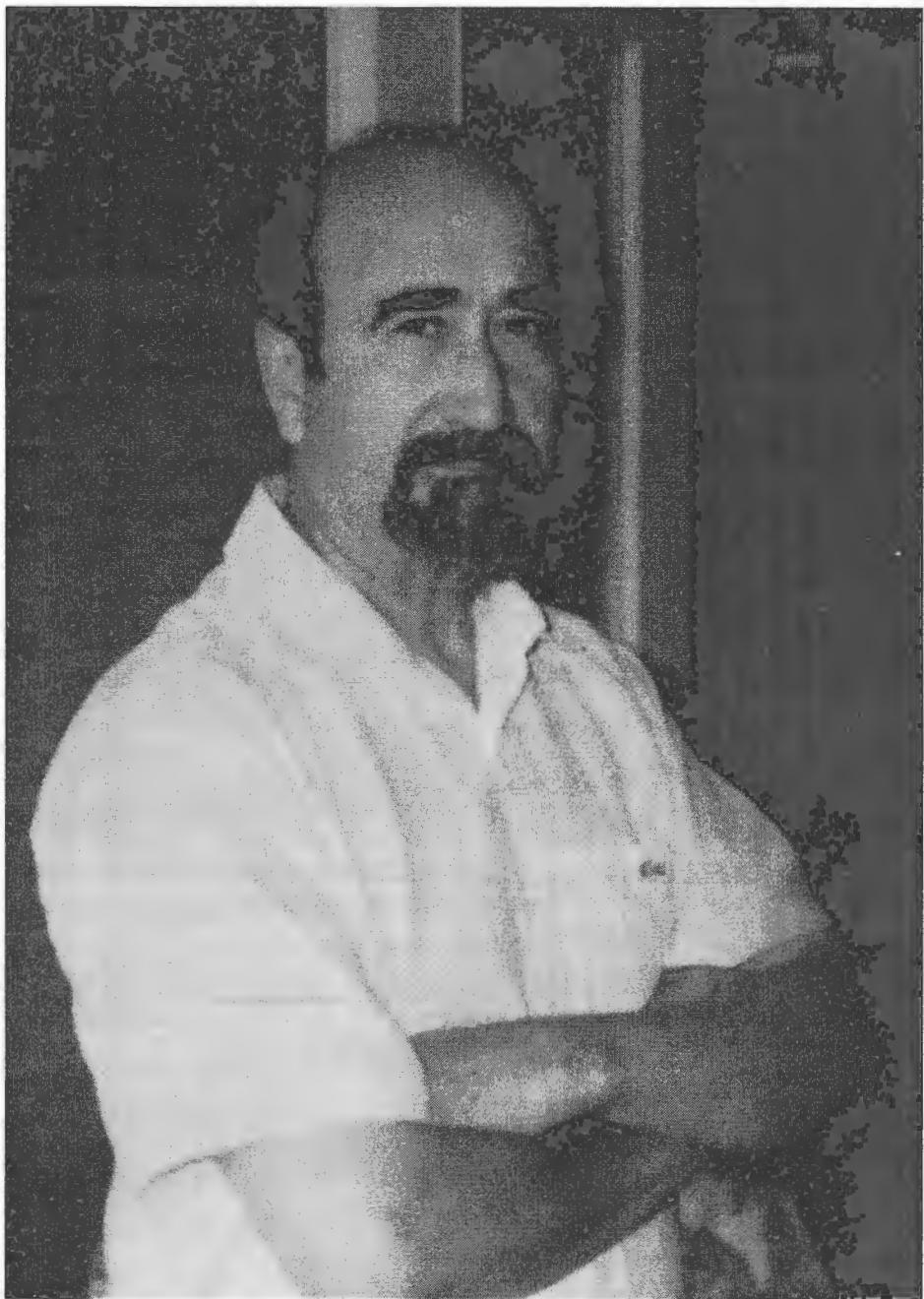
ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و کردشگری و انتشارات آریامنا و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن
تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان مسی تبری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و کردشگری

تلفن: ۰۶۶۷۳۶۴۵۲-۶ - ۰۶۶۷۳۶۷۸۸ - ۰۶۶۷۳۶۷۸۸

تاریخ: www.richt.ir رایانامه: cep@richt.ir

فروشگاه الکترونیکی کتاب: www.richtbook.ir



فهرست مطالب

۱۱	سخن ناشر
۱۳	پیشگفتار، سید احمد محیط طباطبائی
۱۵	مقدمه، سید محمد بهشتی
۱۷	فر فیروز، شاهین آریامنش
۲۱	به یاد فیروز باقرزاده، فرامرز نجد سمیعی
۲۵	به یاد فیروز باقرزاده، جعفر مهرکیان
۲۹	به یاد فیروز باقرزاده، میر عابدین کابلی
۳۱	زنگی و زمانه دکتر فیروز باقرزاده به روایت تصویر

مقالات‌های فارسی

دوره نوسنگی در دامنه‌های غربی کوهستان زاگرس: یافته‌هایی از اوایل دوره هلوسن در سرپل ذهاب، غرب ایران	سجاد علی‌یگی و عبدالجبار سلیمانی
۴۱	سفال گونه امیر در شهر سوخته
۸۱	سید منصور سید سجادی
پیکرک‌های ترکیبی بلخی	
۱۳۷	فرشید ایروانی قدیم، حامد طهماسبی زاوه
الگوهای مقابر صخره‌ای دستکند او رارتونی در ایران	
۱۵۱	مریم دارا
نگاهی به مهرها و نگین‌های شاهان ایران	
۱۶۷	یعقوب محمدی‌فر، امیر خان مرادی، مصطفی اختصاصی و اعظم شهیدی
جامه‌دار داریوش در کاخ تچر	
۱۹۹	حامد مولایی کردشواری

۲۰۹	دِرْ قَلْعَه گَچِی ایزدخواست اکبر عزیزی
۲۲۵	طرح یک سؤال؛ آیا تپه میل آتشکده ری است؟ بررسی گاهنگاری و کاربری بنای موسوم به «تپه میل»، دشت ری علی هژبری
۲۶۷	بررسی و مطالعه باستان‌شناختی چهارتاقی قاضی خان علیا در سیروان اسلام محسن سعادتی
۲۷۹	بررسی جریان‌های مؤثر در خلق نقوش گچ‌بری‌های شهر تاریخی سیمره یونس یوسفوند، فرشاد میری
۲۹۷	مازیارهند یا خندق مازیار، طویل‌ترین خندق دفاعی ایران محمد فلاح کیاپی
۳۱۷	نتایج فصل اول کاوش در دخمهٔ تُرک‌آبادِ اردکان یزد مهدی رهبر
۳۴۹	تولید و تجارت شیشه در جهان اسلام، نجوای دلنشیں النگوها در سفری تاریخی آرمان شیشه‌گر
۴۱۵	قلعه، مسجد و حسینیه گوهران بشکرد سمیه پودات
۴۳۱	کتبیه‌نگاری و تزیینات برج مقبره پیر علمدار دامغان محمد رضا ریاضی، شبنم نعیمی
۴۵۷	پژوهشی درباره حمام اتحادیه ارومیه بهروز خان محمدی، علی صدرانی
۴۷۷	قوم باستان‌شناختی نمک در استان اسلام، زاگرس مرکزی علی نورالله‌ی
۵۲۹	قلعه والی اسلام آرش لشکری
۵۴۳	بررسی روند ثبت آثار در فهرست آثار ملی غیرمنقول حسن مرادی، فهیمه عرب نصرآبادی
۵۶۱	نویسنده واقعی بحرالجواهر فی علم الدفاتر کیست؟ عمادالدین شیخ الحکمابی

مقالات‌های انگلیسی

ردیابی «انقلاب نوسنگی» در ایران

پدر مورتنسن

۱۱

رویکردهای ریزلاینگاری به تاریخ استقرار: تجزیه و تحلیل‌های میدانی و آزمایشگاهی در محوطه نوسنگی جانی، غرب ایران

۱۹

وندی متیو، یعقوب محمدی‌فر، راجر متیو و عباس مترجم
چشم‌انداز نوآوری در ایران پش ازتاریخ

۵۱

تجوییاتی‌شناسی ایران: تأثیر فکری دکتر باقرزاده به عنوان رئیس مرکز باستان‌شناسی ایران
جان آلدن

۸۱

جایگزین‌های کوچ‌نشینی و استقرارهای ایرانی فلات
برونو جنیتو

۸۹

فارس شرقی منطقه‌اندک بررسی شده از پتانسیل بزرگ باستان‌شناسی
رمی بوشارلا

۱۲۷

۱۴۹

فارس مرکزی از پس اسکندر: تداوم یا تغییر?
پیر فرانچسکو کالیری

۱۶۹

تضیع به درگاه الهی برای حمایت: شمایل‌نگاری عبارت قرآنی **فَشِيكُفِيكُهُمُ اللَّهُ**
شیلا بلر

۱۸۳

۲۰۷

عشق شهسوارانه، سبک ایرانی
رابرت هیلن براند.

سخن ناشر

فرهنگ ایرانی، فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی است که علیرغم تنوع و تکثر موجود در جامعه امروزی به انسجام ملی کمک نموده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهن‌سال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی را به همراه می‌آورد. عزت ملی از گسیختگی فرهنگی ممانعت نموده و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد.

در ارتباط با موارد مذکور فعالیت هر پژوهشکده پژوهشگاه میراث فرهنگی بر بخشی از فرهنگ گسترده ایرانی حسب تکلیف تعیین شده بر آن، متمرکز است. عظمت این گستردگی فرهنگ و تمدن به گونه‌ای است که برای شناخت دقیق آن باید در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی منطقه نیز تأمل نمود. با نگرشی سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق آن و فراهم ساختن بسترهای مناسب برای ارتقای کیفی فعالیتهای پژوهشی مرتبط و قدرت بخشیدن و پر رنگ ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش شده و احیای هنرها از یاد رفته این مرز و بوم و همچنین در راستای انجام ششمین وظیفه برشمرده برای پژوهشگاه، گام مصمم این است که گزیده تحقیقات به عمل آمده در هر یک از پژوهشکده‌ها به‌ویژه آثاری که حاصل همکاری مشترک پژوهشگاه و مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی هم‌طراز بین‌المللی است، به صور ممکن به نشر درآید که ماحصل آن طریقه‌ای است برای کاربردی کردن دانش به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه راهبردی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

از سوی دیگر اذعان می‌نماییم پژوهش عامل و بنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده اصل حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم است؛ لذا برای ایجاد برآیند حاصل از نتایج و تحلیل یافته‌های مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوطه می‌تواند عامل مؤثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای بهینه ساختن برنامه‌های دست انجام و آن راهنمایی برای نسل آینده در راستای شناسایی و معرفی و هویت‌بخشی ایران باشد.

به علت گستردگی حوزه فرهنگ و تعدد عوامل تأثیرگذار بر آن حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن می‌تواند اولین گام باشد. لذا پژوهشگاه بر آن است با همکاری پژوهشگران و اساتید این رسالت را به انجام رساند و امید دارد با حرکت در این مسیر دست همیاری و همراهی شمارا در دست گرفته تا بتواند گام مؤثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

پیشگفتار

سید احمد محیط طباطبایی

مشاور فرهنگی رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

پروردگار را شاکریم که ما را توفیق داد تا پنجمین مجموعه از کتاب‌های مفاخر میراث فرهنگی ایران را به پاس قدردانی از یک عمر فعالیت‌های فرهنگی و علمی آقای دکتر فیروز باقرزاده رئیس سرشناسی مرکز باستان‌شناسی ایران در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری منتشر کنیم. دکتر فیروز باقرزاده از باستان‌شناسان و مدیران پیشکسوتی است که عمری را در راه شناسایی ایران و مدیریت دستگاه باستان‌شناسی ایران صرف کرده است.

فیروز باقرزاده که در سال ۱۳۰۹ در تهران به دنیا آمده بود در سال ۱۳۴۴ در رشته ادبیات و زبان انگلیسی فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۳۵ در اداره کل هنرهای زیبای کشور استخدام شد. باقرزاده سپس در سال ۱۹۵۹ میلادی به آمریکا رفت و در دانشگاه ایلینوی در رشته تاریخ هنر جهان تحصیل کرد و مدرک کارشناسی ارشد خود را دریافت کرد. باقرزاده سپس در پاریس به تحصیل در رشته باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران در مقطع دکتری پرداخت و با تجربه‌اندوزی در زمینه هنر ایران به ایران بازگشت و پس از بازگشت به ایران، مرکز باستان‌شناسی ایران را پایه گذاشت که طی مدیریت باقرزاده بر این مرکز خدمات شایانی برای باستان‌شناسی ایران انجام داد.

پایه‌گذاری مرکز باستان‌شناسی ایران در ساختاری مشخص در سال ۱۳۵۱ از کارهای مهم دکتر فیروز باقرزاده است که می‌توان گفت سازمان میراث فرهنگی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بر اساس همان طرح جدید دکتر باقرزاده ادامه پیدا کرد. جلوگیری از خروج آثار باستانی از ایران، شکل‌دهی مناسب بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی، جوان‌گرایی و برگزاری همایش‌های سالانه باستان‌شناسی ایران، توسعه موزه ایران باستان از اقدامات مهم و

بزرگ و ماندگار دکتر باقرزاده است که اعتلای ایران و میراث فرهنگی ایران را در پی داشته است.

این جشن نامه که به قلم شماری از دوستداران و شاگردان ایرانی و غیر ایرانی دکتر فيروز باقرزاده فراهم آمده است ادای دینِ کوچکی است به دکتر باقرزاده که عمری را برای ایران و باستان‌شناسی ایران و پرورش نسلی از باستان‌شناسان ایران گام برداشته است. از پروردگار توفيق روزافزون ایشان را آرزومندم.

مقدمه

سید محمد بهشتی

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

هنگامی که در دهه ۶۰ به میراث فرهنگی آمدم، در آغاز گمان می‌کردم که می‌دانم به کجا آمده‌ام. به دلیل تحصیل در رشته معماری، به تاریخ معماری علاقه داشتم و در طول سال‌های پیش از انقلاب به شکل حریصانه‌ای ایران را گشته بودم. سه ماهی طول کشید تا متوجه شدم نمی‌دانم به کجا آمده‌ام، تا قبل از این مدت اگر از من می‌پرسیدند که ایران را گشته‌ای با اطمینان پاسخ می‌گفتم بله؛ اما بعد از این زمان خیلی قاطع پاسخ می‌گفتیم؛ خیر. چون ایرانی که من دیده بودم و ایرانی که در آن وقت شناختم، خیلی با هم فاصله داشتند. از آنجا به بعد یاد گرفتم سهم ام را از گوهری که دوستان فعل در رشته‌های مختلف سازمان میراث فرهنگی با سال‌های طولانی تأمل، جست‌وجو کرده و در زمینه آنها دانشی آموخته بودند، بردارم. برای من میراث فرهنگی به کلاسی تبدیل شد که یک شاگرد داشت که خودم بودم و تعداد زیادی معلم که با هریک بنا به ضرورت ارتباط داشتم و از تجربیات‌شان استفاده می‌کردم.

یکی از این افراد میرعبدین کابلی بود. زمانی که در تلاش بودم موضوع میراث فرهنگی در برنامه پنج ساله سوم وارد شود، با افراد زیادی مشورت می‌کردم، در آن زمان کابلی به نکته‌ای اشاره کرد و چند رونوشت کاغذ را درباره شخصی که در روزگاری سعی کرده بود، طرحی نو در این زمینه دراندازد به من داد. روزهای اول متوجه کاری که وی انجام داد نشدم، اما طولی نکشید که دریافتم کابلی خطر کرده به خاطر اینکه آن شخص فیروز باقرزاده بود و در آن سال‌ها صحبت کردن از وی در میراث فرهنگی کاری مشکل بود، چون او با تلخی ایران را ترک کرده بود و افرادی بودند که از رفتن او خوشحال بودند. چند بار امتحان کردم و درباره فیروز باقرزاده از برخی سوال کردم و دریافتمن علاقه‌ای به صحبت درباره وی ندارند و شاید گمان می‌کردند که این کار برایشان هزینه‌بر است، اما کابلی در اندیشه هزینه نبود و

می‌خواست خادمی را به شخصی معرفی کند و از آن جهت که باقرزاده را می‌شناخت و من را نمی‌شناخت، خطر کرد. من از اینکه کابلی مرا با شخصیت فیروز باقرزاده و کارهای ازنده او آشنا کرده بسیار سپاسگزارم و از کابلی درس بزرگی آموختم که همانا اخلاق حرفه‌ای و حرمت نگه داشتن نسبت به یک خادم ایران و میراث فرهنگی بود.

به راستی که دکتر باقرزاده کارهای بزرگی در باستان‌شناسی ایران انجام داده است که همواره از او به نیکی یاد خواهد شد. درواقع پایه‌گذار باستان‌شناسی علمی و نوین ایران را می‌توان فیروز باقرزاده دانست که مرکز باستان‌شناسی ایران را در سال ۱۳۵۱ پی افکند و با کوشش کم‌نظیر میراث فرهنگی ایران را سروسامانی بخشدید و ارج و ارزی نه فقط به باستان‌شناسی بلکه به ایران و میراث فرهنگی ایران بخشدید.

از دیگر کارهای مهم آقای باقرزاده متوقف کردن خروج اشیاء از ایران بود. می‌دانیم که پیش از او، هر هیئت باستان‌شناسی خارجی که به ایران می‌آمد می‌توانست پس از کاوش شماری شیء باستان‌شناسی را با خود ببرد اما باقرزاده با درایتی بی‌نظیر و اینکه ایران خانه همیشگی این گنجینه‌های بی‌نظیر است، جلوی خروج آثار را گرفت.

با هدف ارج نهادن به مقام دکتر فیروز باقرزاده که سالیانی چند برای ایران و باستان‌شناسی ایران به فعالیت پرداخته است این جشن‌نامه ذیل مجموعه مفاخر میراث فرهنگی ایران منتشر می‌شود و شامل مقاله‌هایی به قلم اندیشمندان و پژوهشگرانی است که از برای دکتر باقرزاده نگاشته شده است. از خداوند توفیق روزافزون و طول عمر ایشان را خواستارم.

پر تپش باد آن دلی که خون به
رگ‌های باستان‌شناسی ایران دارد

فرّ‌فیروز

شاهین آریامنش

هنگام آغاز دانش‌اندوزی در رشته باستان‌شناسی گهگاه نام دکتر فیروز باقرزاده را می‌شنیدم که در دوره‌ای باستان‌شناسی ایران را دگرگون کرده است چنانکه آن دوره به دوره زرین باستان‌شناسی ایران پرآوازه شده است. اما آشنایی بیشتر با استاد دکتر باقرزاده مرهون یادداشت‌ها و گفته‌های استاد میرعبدیین کابلی و استاد اسماعیل یغمایی است که در این دوره زرین باستان‌شناسی ایران با دکتر باقرزاده همکاری کرده بودند.

فیروز باقرزاده نهم خرداد ۱۳۰۹ در تهران از خانواده‌ای آذربایجانی زاده شد. به گفته استاد میرعبدیین کابلی، باقرزاده از نوادگان دختری باقرخان سالار ملی است. در سال ۱۳۴۴ در رشته ادبیات و زبان انگلیسی دانش‌آموخته شد و در سال ۱۳۳۵ در اداره کل هنرهای زیبای کشور استخدام شد. سپس در سال ۱۹۵۹ میلادی با استفاده از راتبه تحصیلی فولبرایت به آمریکا رفت و در دانشگاه ایلینوی در رشته تاریخ هنر جهان کارشناسی ارشد خود را دریافت کرد. باقرزاده سپس در پاریس به تحصیل در رشته باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران در مقطع دکتری پرداخت و پس از بازگشت به ایران، مرکز باستان‌شناسی ایران را در ۱۹ آذرماه ۱۳۵۱ پایه گذاشت.

چهره‌های چندی دوره مدیریت دکتر باقرزاده را در مرکز باستان‌شناسی ایران بررسی کرده‌اند و به فعالیت‌های ارزنده او پرداخته‌اند. اگرچه بیشینه کارهایی که دکتر باقرزاده هنگام ریاست بر مرکز باستان‌شناسی ایران انجام داده، ارزشمند است، سه مورد از کارهای او از دید نگارنده بسیار مهم جلوه می‌کند که نشان از میهن‌دوستی اش دارد.

چنانکه می‌دانیم در ماده ۱۴ قانون عتیقات چنین آمده است که «در ضمن عملیات حفاری علمی یا تجارتی آنچه در یک محل و یک موسم کشف شود اگر مستقیماً توسط دولت کشف شده تماماً متعلق به دولت است و اگر دیگری کشف کرده باشد دولت تا ده فقره از اشیایی که حیثیت تاریخی و

صنعتی دارد می‌تواند انتخاب و تملک و از بقیه نصف را مجاناً به کاشف واگذار و نصف دیگر را ضبط کند هر گاه کلیه اشیاء زائد بر ده فقره نبوده و دولت همه را ضبط کند مخارجی را که حفر کننده متحمل شده است به او می‌پردازد. اینیه و اجزاء اینیه از تقسیم فوق مستثنی است و دولت می‌تواند تمام را متصرف شود.» همچنین در ماده ۳۱ نظام‌نامه تحقیقات به صراحت آمده است که «عتیقاتی که در ضمن حفاری قانونی تجاری و علمی در یک مکان و یک موسم حفاری یافت شده است به ترتیب ذیل بین دولت و حفار تقسیم خواهد شد بدواً دولت از اشیاء مکتشفه می‌تواند تا ده فقره را انتخاب و تملک نماید و بعد بقیه را بالسویه با صاحب اجازه حفر تقسیم خواهد کرد.» بنابراین هنگام کاوش‌های باستان‌شناسان در ایران که بیشینه آنان ایرانی بودند شماری از یافته‌ها براساس این دو ماده قانونی به غیر که همانا ایرانیان بودند واگذار می‌شد و این آثار به بیرون از ایران منتقل می‌شد. اما فیروز باقرزاده پس از طرح‌ریزی مرکز باستان‌شناسی ایران، طرحی نو درانداخت و قانون را به سود و سوی ایران و ایرانیان خم کرد. او برخی از مواد قانون عتیقات و نظام‌نامه تحقیقات را زیر پا گذاشت و با این کار درفش سرفراز ایران را برافراشت چنانکه از سال ۱۳۵۲ واگذار شدن برخی از آثار باستان‌شناسی به ایرانیان کنار گذاشته شد.

ماده ۱۲ قانون عتیقات چنین است که «حفاری اگر فقط برای کشف آثار ملی و تحقیقات علمی باشد حفاری علمی و اگر برای خرید و فروش اشیاء عتیقه باشد حفاری تجاری است اجازه حفاری علمی فقط به مؤسسات علمی داده می‌شود در اینیه و اموال غیر منقوله که در فهرست آثار ملی ثبت شده حفاری تجاری ممنوع است»، همچنین ماده ۲۱ نظام‌نامه تحقیقات چنین است که «حفاری وقتی علمی نماید می‌شود که منظور آن کشف مدارک باشد برای تحقیق چگونگی تمدن‌های قدیم ایران و مناسبات آن با سایر تمدن‌ها و وقتی تجاری خوانده می‌شود که فقط برای منظور تجاری باشد». بنابراین یکی از آسیب‌هایی که بر پیکر میراث فرهنگی ایران وارد می‌شد حفاری‌های تجاری بود که باز دیگر فیروز باقرزاده طرحی نو درانداخت و حفاری‌هایی از این دست را لغو کرد.

نخستین بار آرتور اپهام پوپ و جان شاپلی با هدف معرفی و به نمایش گذاشتن آثار باستانی به یافت شده از کاوش‌های باستان‌شناسی، همایش (کنگره) جهانی «باستان‌شناسی و هنر ایران» را ۹۰ سال پیش در موزه پنسیلوانیای آمریکا پایه گذاشتند که این رویداد آغازی بر نمایش تاریخ و فرهنگ و هنر ایران در امریکا و اروپا بود.

برگزاری شکوهمند این همایش و همچنین نمایشگاه آثار و اشیای فرهنگی ایران که از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده بود باعث شد که دولت انگلستان پیشنهاد برگزاری دومین همایش

بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران را ارائه کند. این همایش همراه با نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران با حضور وزیر فرهنگ وقت، محسن مقدم، دولت‌آبادی و مهدی بهرامی در سال ۱۳۱۰ در لندن برگزار شد و باستان‌شناسان به سخنرانی درباره کاوش‌های انجام‌شده در ایران پرداختند.

پس از آن روسیه پا پیش گذاشت و علاقه‌مندی خود را برای برگزاری سومین همایش نشان داد بنابراین سومین همایش بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران همراه با سومین نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران و همچنین چاپ تمبر یادبود این همایش در سال ۱۳۱۴ در دو شهر لینینگراد و مسکو برگزار شد و در این همایش ۲۵ هزار شی باستانی ایران به نمایش گذاشته شد. در این همایش مهدی بهرامی، محسن مقدم، محمدتقی مصطفوی، علی‌اصغر حکمت، علی‌اکبر سیاسی و عیسی صدیق حضور داشتند.

پس از آن، چهارمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران همراه با چهارمین نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران در سال ۱۳۲۹ در چهار شهر نیویورک، فیلادلفیا، بالتمور و واشینگتن برگزار شد. در این همایش عزت‌الله نگهبان، محسن مقدم، محمدتقی مصطفوی، عیسی صدیق، دکتر فروغ و مهدی بیانی شرکت داشتند و هر کدام درباره باستان‌شناسی ایران سخنرانی کردند. در این همایش بود که هیئت ایرانی، هموندان همایش را مجاب کردند تا همایش بعدی در ایران برگزار شود. بنابراین پنجمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران همراه با پنجمین نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران در سال ۱۳۴۷ در سه شهر تهران، اصفهان و شیراز برگزار شد. در این همایش ایران‌شناسانی مانند والتر هینس، رابرت دایسون، رابرت بریدوود، ژوزف کالدول، کایلر یانگ و فرانک هل به سخنرانی پرداختند.

ششمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران نیز همراه با ششمین نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران در سال ۱۳۵۱ در آکسفورد و هفتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران همراه با هفتمین نمایشگاه بین‌المللی هنر ایران در سال ۱۳۵۵ در آلمان برگزار شد که با انقلاب ۱۳۵۷ و حمله عراق به ایران برگزاری همایش‌های جهانی باستان‌شناسی و هنر ایران متوقف شد.

در همان سالی که ششمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران در سال ۱۳۵۱ در آکسفورد برگزار می‌شد، فیروز باقرزاده، رئیس مرکز باستان‌شناسی ایران بر آن شد تا همایش‌هایی بسامان در ایران برگزار کند. بنابراین نخستین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران در آبان ۱۳۵۱، دومین گردهمایی از ۷ تا ۱۰ آبان ۱۳۵۲، سومین گردهمایی در سال ۱۳۵۳، چهارمین گردهمایی از ۱۲ تا ۱۷ آبان ۱۳۵۴، پنجمین گردهمایی در سال ۱۳۵۵ و ششمین گردهمایی در سال ۱۳۵۶ برگزار شد. درواقع پایه‌گذار گردهمایی‌های سالانه باستان‌شناسی ایران دکتر فیروز باقرزاده بود که

در سال‌های ریاست بر این مرکز توانست به صورت منظم این گرد همایی‌ها را برگزار کند.

برگزاری این گرد همایی تا سال ۱۳۷۳ متوقف ماند و سرانجام هفتمین گرد همایی از ۲۵ تا ۲۸ فروردین ۱۳۷۳ برگزار شد و به صورت نامرتب هشتمین گرد همایی در سال ۱۳۷۶، نهمین گرد همایی از ۱۸ تا ۲۱ آذر ۱۳۸۶، دهمین گرد همایی از ۲۰ تا ۲۲ آذر ۱۳۸۷، یازدهمین گرد همایی از ۲۵ تا ۲۸ آذر ۱۳۹۱، دوازدهمین گرد همایی از ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳، سیزدهمین گرد همایی از ۱۰ تا ۱۲ آسفند ۱۳۹۲، چهاردهمین گرد همایی از ۱۶ تا ۱۸ آسفند ۱۳۹۴ و پانزدهمین گرد همایی از ۱۵ تا ۱۷ آسفندماه ۱۳۹۵ برگزار شدند. انضباط دکتر باقرزاده از برگزاری منظم همین گرد همایی‌ها روش می‌شود، این در حالی است که برگزاری گرد همایی‌های سالانه باستان‌شناسی ایران پس از انقلاب تاکنون که چهل سال می‌شود به صورت نامنظم فقط ۹ بار برگزار شده است.

آری فعالیت‌های ارزنده فرهنگی دکتر فیروز باقرزاده همگی از برای ایران و ایرانیان بوده و هست. ایرانی که دل و دین به آن سپرده‌ایم و بی‌کرانه دوستش می‌داریم در کارهای باقرزاده رنگ و بویی برتر و برکشیده‌تر داشته و دارد و او از برای ایرانیان و اعتلای ایران مألف رنج دوران برد و خون دل‌ها خورده است بنابراین پر تپش باد آن دلی که خون به رگ‌های باستان‌شناسی ایران دارد. اگرچه پس از پیروزی انقلاب، باقرزاده دیگر سمتی در دستگاه باستان‌شناسی ایران نداشت اما بر آن بود تا همواره رسالت میهنی خود را به جا آورد چنانکه در تلاش بود تا سه اثر بیشکوه ایران یعنی میدان نقش‌جهان اصفهان، معبد چغازنبیل و تخت جمشید را در فهرست جهانی یونسکو ثبت کند بنابراین همراه با شهریار عدل و باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی بر آن شد تا به نشست یونسکو در مصر برود، اما نامه‌ای به قلم شماری از همکارانش که جز خوبی برای آنان کاری نکرده بود، یعنی سعید گ، محمود م، اسماعیلی، یحیی ک و جهانگیری (برخی از آنان سپس‌تر از کرده خود پشیمان شدند) خطاب به حسن حبیبی وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت نوشته شد که هدف این افراد فراری دادن باقرزاده از ایران است بنابراین در آن خواسته بودند تا جلوی خروج باقرزاده از ایران گرفته شود تا پیشینه وی بررسی و به دادگاه انقلاب اسلامی فرستاده شود. این نامه باعث شد که آنان نتوانند به نشست یونسکو بروند، با این حال، سپس‌تر هم شهریار عدل به مصر رفت و آثار ایرانی را در یونسکو ثبت کرد و هم فیروز باقرزاده برای همیشه از ایران رفت و فعالیت‌های فرهنگی خود را در آن سوی جهان ادامه داد. اگرچه دکتر باقرزاده سال‌هاست از ایران دور است، یاد این بام فیروزه‌ای تاریخ در تار و پود او تیله شده است چنانکه با شرکت در همایش‌های ایران‌شناسی در کشورهای گوناگون پژوهش‌های ایران‌شناسی را پی می‌گیرد و از ایران و برای ایران مألف می‌گوید و می‌نویسد. ایران فیروز زنده است، زنده باد ایران فیروز.

به یاد فیروز باقرزاده

فرامرز نجد سمیعی

اولین باری که من آقای دکتر باقرزاده را دیدم در آزمون ورودی اداره کل باستان‌شناسی و فرهنگ عامه بود که قرار بود شماری مترجم زبان‌های مختلف برای راهنمایی تخت جمشید در جشن‌های دوهزار و پانصدساله استخدام کنند. من در آن آزمون پذیرفته شدم و بعد از آن برای مادورة فشرده باستان‌شناسی گذاشته شد و قرار شد که من مترجم صدراعظم آلمان شوم که البته ایشان به ایران نیامد و به جای وی رئیس مجلس آلمان آمدند. بعد از برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی قرار شد برخی از کسانی که در آزمون پذیرفته شدند به ادامه فعالیت در وزارت فرهنگ و هنر پردازند بنابراین چند روزی در تخت جمشید ماندم که پس از چند روز به من گفتند که خود را به اداره کل باستان‌شناسی معرفی کنید که من به تهران آمدم و آقای پورمند رئیس اداره کل باستان‌شناسی به من گفتند که خود را به موزه میدان شهیاد معرفی کنید و در آنجا به کار پردازید. تقریباً پس از یک سال روزی آقای بوشهری رئیس موزه شهیاد و نیز آقای اصغریان معاون آقای پورمند مرا خواست و گفت که خود را به آقای پورمند معرفی کنید که هنگامی که پیش آقای پورمند رفتم وی گفت که از فردا با آقای باقرزاده در مرکز باستان‌شناسی ایران همکاری کنید که اتفاقاً من خیلی دوست داشتم که در جایی که منضبط باشد فعالیت کنم.

فردادی آن روز من خود را به آقای باقرزاده معرفی کردم و ایشان گفت که من خودم خواستم که شما به اینجا بیایید. ایشان دفتری پشت سالن آمفی‌تاتر موزه دوران اسلامی داشت که آنجا اتفاقی به من داده شد و در کنار آقای باقرزاده مشغول به کار شدم. آن موقع هنوز مرکز باستان‌شناسی وجود نداشت اما آقای دکتر باقرزاده همراه با افرادی همچون دوست عزیزم آقای میرعبدیین کابلی مشغول تهییه ساختار مرکز باستان‌شناسی ایران بودند تا اینکه مرکز باستان‌شناسی رسمیاً در سال ۱۳۵۱ شروع به کار کرد. پس از آن، از قسمت پشت سالن آمفی‌تاتر به ساختمان پشتی موزه که امروزه پژوهشکده

باستان‌شناسی است نقل مکان کردیم و مرکز باستان‌شناسی در آنجا شکل گرفت و همه در آنجا مستقر شدند و پس از تأیید پست‌های سازمانی در وزارت خانه هر کسی پست خود را گرفت که پست من کارشناس پژوهش در متون آلمانی بود که بعداً معاون بخش پژوهش در متون شدم اما درواقع من کارهای آقای باقرزاده را انجام می‌دادم. از طرف آقای باقرزاده حق امضا داشتم که به وزارت خانه معرفی شده بود. درواقع کارهای امور اداری و از این دست را من بهویژه هنگامی که ایشان نبود انجام می‌دادم. ایشان سیستمی در مرکز باستان‌شناسی ایران پیاده کرد که همگان با همدیگر بسیار صمیمی بودند و با همدیگر کار می‌کردند. درواقع همگان با میل در آنجا خدمت می‌کردند و همگان دوست داشتند که از بیرون به مرکز باستان‌شناسی برای کار بیایند. ایشان همه نیازمندی‌های باستان‌شناسان را در مرکز باستان‌شناسی ایران تهیه کردند چنانکه بعد از مدتی اتوموبیل لندرور برای مأموریت همکاران تهیه شد و برای هر هنیتی خودرو و راننده فراهم می‌شد و در هیئت نقشه‌بردار و باستان‌شناس و عکاس و ... حضور می‌داشت.

هنگامی که آقای دکتر باقرزاده ریاست دستگاه باستان‌شناسی ایران را بر دوش گرفتند، جلوی موزه ایران باستان شماری مغازه ابزار و یراق و نیز گاراژ مسافربری بود که جلوه بسیاری بدی به موزه ایران باستان می‌داد و در شان این مکان فرهنگی نبود که در سال گردشگران بی‌شماری از کشورهای گوناگون برای بازدید از آنجا می‌آمدند. بنابراین دکتر باقرزاده چاره‌ای اندیشید و هنگام بازدید محمدرضا شاه و شهبانو فرح پهلوی از موزه ایران باستان، ایشان از آنان درخواست کرد که اعتباری برای خرید این مغازه‌ها و گاراژ مسافربری در نظر بگیرند تا پس از خرید، این مغازه‌ها تخریب شوند و جلوی موزه باز و گستردۀ شود و شان فرهنگی آن حفظ شود. این درخواست دکتر باقرزاده پس از مدتی انجام شد و پس از خرید آن مکان‌ها و تخریشان فضای جلوی موزه ایران باستان جلوه بسیار ارزنده‌ای پیدا کرد. از کارهای مهم آقای دکتر باقرزاده متوقف کردن خروج اشیاء از ایران بود. در گذشته پس از اینکه کاوش‌های هیئت‌های باستان‌شناسی خارجی انجام می‌شد در مرکز باستان‌شناسی یا در خود محل ۱۰ شیء را انتخاب می‌کردند و با خود می‌بردند که آقای باقرزاده این رویه را تغییر داد و هیچ کسی نمی‌توانست دیگر شیءی را با خود ببرد.

مرکز باستان‌شناسی ایران بر موزه ایران باستان هم نظارت داشت. آقای باقرزاده بعد از مدتی چنین احساس کرد که موزه ایران باستان به گنجینه‌ای نیاز دارد و اشیایی که در زیر موزه ایران باستان جمع می‌شد به آنجا منتقل شوند بنابراین زیر حیاط موزه ساخته شد و به گنجینه اشیاء تبدیل شد. جالب است که جلوی موزه چمن‌کاری و درخت‌کاری شده بود که پس از ساخت گنجینه همان درخت‌ها

آورده شد و در همانجا کاشته شد و گویی که هیچ وقت ساخت و سازی در آن بخش انجام نشده بود.
ایشان همچنین از بسیاری از باستان‌شناسان برای تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی حمایت کردند و افرادی با حمایت ایشان برای تحصیل به خارج از ایران رفتند.

آقای باقرزاده از ترجمه نیز حمایت می‌کرد. یکی از کسانی که مرا تشویق کرد تا مقاله‌های باستان‌شناسی ترجمه کنم آقای باقرزاده بود که از من خواست تا مقاله نویسنده‌گان آلمانی درباره تخت سلیمان را ترجمه کنم که من این مقاله را ترجمه کردم و ایشان دستور دادند تا این مقاله در مجله باستان‌شناسی چاپ شود بنابراین ترغیب شدم تا مقاله‌های چندی را به فارسی ترجمه کنم. دیگران نیز اگر مقاله‌ای ترجمه می‌کردند ایشان دستور می‌داد تا آن مقاله منتشر شود. درنهایت اینکه آقای دکتر باقرزاده در مدتی که ریاست مرکز باستان‌شناسی ایران را بر عهده داشت خدمات بسیار مهمی برای ایران و باستان‌شناسی ایران انجام دادند که این کارهای ارزنده همواره در تاریخ به نام ایشان خواهد ماند.

به یاد فیروز باقرزاده

جعفر مهرکیان

مهندس سید محمد بهشتی این مرد با فرهنگ و بزرگوار چه خوب بر نقاط ضعف باستان‌شناسی و نه تنها میراث فرهنگی و لشگر بی‌ساز و برج‌مان آگاه است و نه تنها ارجگزار مدیران خود که ارجگزار تلاش‌های کسانی است که هم‌زمان با او نبوده‌اند و دورادور آنان را می‌شناسند و با ازرهنگی رفتار پسندیده و اثرگذار آنان را پاس میدارد. به گمانم در نشست پرمحتوای دانشجویی مظور مهندس بهشتی، دکتر فیروز باقرزاده بود نه مهندس شیرازی که شاید بشود او را مغز متفکر و معمار سازمان میراث فرهنگی کشور دانست.

دکتر باقرزاده نخستین رئیس مرکز باستان‌شناسی ایران و موزه ایران باستان، بزرگمردی که دور از ایران همچنان قلبش برای ایران می‌پد، کنگره، کنفرانس، همایشی نیست که سخن از ایران به‌ویژه باستان‌شناسی ایران باشد و او با ارائه مقاله ویا حساسیت و وسوس حضور نیابد و یا روند برگزاری آن را تعقیب نکند و گاه دست‌تنها از اینکه کیان ایرانی به مخاطره بیفتد حرص نخورد. این مرد با فرهنگ، فرهیخته، میهن‌پرست و خوش‌فکر و بزرگ‌منش را باید بنیان‌گذار باستان‌شناسی نوین ایران دانست. باقرزاده تشکیلاتی را پی‌افکند که بسیاری از محدود عادات جاافتاده هرچند الینه‌شده باستان‌شناسی امروزی بازمانده شالوده‌ریزی‌های هوشمندانه اóst.

او برای ساماندهی به آرمان‌های دور و درازش به یک تصفیه بنیادین دست زد، در این راه با فراهم کردن پست‌های خوشایند مدیرکلی فرهنگ و هنر استان‌های گوناگون به باستان‌شناسان خسته در تهران و سپردن پست‌های کلیدی به جوان‌ترها، اداره کاوش به زنده‌یاد استاد سید محمود موسوی و اداره بررسی و شناسایی به استاد میر عابدین کابلی و بهکارگیری آینده‌نگرانه باستان‌شناسان جوان و فرستادن برنامه‌ریزی شده آنان برای فراغیری دانش‌های نوین و تخصصی به کشورهای پرآوازه گیتی، نظمی نوین به باستان‌شناسی فرسوده و در رکود خفته بخشید.

زنده‌یاد امیرلو را به ژاپن فرستاد که در بازگشت، با ابزار پیشرفته روز، پژوهش‌های پارینه‌سنگی و انسان‌شناسی زیستی را با همکاری سوتور در ایران آغاز کرد. زنده‌یاد مسعود آذرنوش را او به بلژیک فرستاد تا پژوهشگر دوره تاریخی شود، محمدرحیم صراف را که اکنون استاد اسلام‌شناسی است همو به آلمان فرستاد. باقرزاده، سیدمنصور سیدسجادی، بیانی و بختیاری را به ایتالیا، یحیی کوثری را به فرانسه، فاطمه کریمی (ژاله) را به آمریکا، رهبر را به یونان، دکتر کیانی را به انگلیس، خانم ترهوانسیان و آقای رسول وطن‌دوست را برای بربایی آزمایشگاه باستان‌شناسی به انگلیس؟ فرستاد.

گردنیای خوش‌ذوق را برای طراحی پوستر و گزارش‌های سمپوزیوم‌ها و دکوراتوری و ویترین‌آبی نمایشگاه‌های سالانه و تخصصی به کار گرفت و آلدو پترونلی ایتالیایی را برای مطالعات معماری هیئت‌های ایرانی به استخدام درآورد. آرشیو بی‌مانند باستان‌شناسی را به کمک آن سورای فرانسوی با سفارش کمدهای فلزی اختصاصی راهاندازی کرد، با استفاده از تجارت عکاسان با تجربه ابری، دهنه‌ای و صافی، آتلیه و لابراتوار عکاسی مجهزی را بنا کرد که می‌توانست به سرعت نیازهای عکاسی مرکز پیشرفته باستان‌شناسی ایران را برآورده کند، کتابخانه تخصصی مرکز باستان‌شناسی ایران را به یک خانم فرهیخته و کارдан سپرد و همه کتاب‌های اهدایی و نفیس خود را برخلاف بقیه بی‌درنگ بدان جا می‌فرستاد و با تأمین اعتبار دهها مجله تخصصی کتابخانه را به روز کرد، افزون بر فعال کردن کاوش‌های هدفمند با به کارگیری هیئت‌های کشورهای بیگانه از مؤسسه‌های معتبر بین‌المللی به نمایندگی باستان‌شناسان ایرانی به انتقال تجربه کشورهای صاحب سبک به ایران همت گماشت و با بربایی سمپوزیوم‌های آبرومند سالانه زمینه لازم را برای رقابت‌های سازنده به نفع گسترش آگاهی‌های تازه از ایران باستان و جرئت بخشیدن به جوانان ایرانی گام برداشت.

داوری را بیان یک خاطره از او به باستان‌شناسان ایران دوست و امی‌گذارم. انجمن ایران‌شناسی اروپا انجمن گروهی از ایران‌شناسان کشورهای گوناگون است که زنده‌یاد دکتر آذرنوش، دکتر هایده لاله و زنده‌یاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی و نگارنده اعضای ایرانی آن انجمن بوده و هستیم که هر چهار سال یکبار دهها عضو و شرکت‌کننده ایرانی و غیر ایرانی از کشورهای گوناگون در یکی از کشورهایی که رئیس هیئت ریسese انجمن از چهار سال پیش با رأی گیری اعضا (ونه همه شرکت‌کنندگان (از آن کشور بوده است برگزار می‌شود، شرکت‌کنندگان سراسر جهان در چندین نشست سه‌هزده‌ی دهها مقاله را در قالب موضوعات مختلف ایران‌شناسی به زبان‌های رسمی انجمن انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی، روسی، آلمانی؟! ارائه می‌کنند و در پایان فقط با حضور اعضا، هیئت ریسese بعدی برای چهار سال بعدی انتخاب می‌شوند، جالب این‌که تاکنون هیچ ایرانی به دلیل ناهم‌رأی برگزیده

نشده است! سه سال پیش در کنگره کراکف لهستان! این موضوع آزاردهنده بیش از بیش توجه دکتر باقرزاده را جلب کرده بود همو با وقار تمام به هر ترتیب دراین باره با نگارنده و ایرانیانی که می شناخت گفت و گو کرد و یک چهره صاحب نام دانشگاهی متخصص دوره ساسانی از آمریکا را برای نامزد شدن مقاعد کرده بود که هنگام رأی گیری به دلایلی که برای او و نگارنده آشکار نشده است بدون آگاهی ما در انتخابات شرکت نکرد که ما بهنا چار اعتراض خود را با رأی سپید نشان دادیم. اندوه وصف ناشدنی او را پس از این ماجرا هرگز فراموش نمی کنم آن چنان که مدت ها با زبان الکنم برای دلداری کوشیدم، گرچه او سرانجام توانست اعتراضش را بروز ندهد. واقعاً این پرسش همچنان برجاست که چرا ایرانیان در چنین انجمن هایی حضوری پرنگ تر نمی یابند و از کیان ایرانی پاسداری نمی کنند؟